

ارتباط راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های اسنادی با خطر فرار از منزل در دختران نوجوان شهر مشهد

حسین شاره^۱، دکتر علی‌اصغر اصغرنژاد فرید^۲، دکتر رخساره یزدان‌دوست^۳

Relationship between Running Away from Home with Coping Strategies and Attributional Styles in Female Adolescents in the City of Meshed

Hossein Shareh^a, Ali Asghar Asgharnejad Farid^a, Rokhsare Yazdandoost^b

Abstract

Objectives: This study was conducted to examine the relationship of coping strategies and attributional styles with the risk of running away from home, among female adolescents. **Method:** 500 females from Meshed city (located in north east of Iran) high schools at districts 2, 5 and 7 were selected using random cluster sampling. All subjects completed 4 questionnaires: demographic characteristics, Risk of Running Away from Home, Coping Strategies, and Attributional Styles. Data were analyzed using Pearson correlation and stepwise multiple regression. **Results:** There was significant relationship between female's running away from home and social support coping strategies, physical and emotional inhibition, stable-unstable aspects of failure, and stable-unstable, internal-external, and total-partial aspects of success in Attributional Styles Questionnaire. Regression analysis revealed a significant role for physical and emotional inhibition strategies and total-partial success in female's running away from home ($p < 0.01$). **Conclusion:** There was significant correlation between coping strategies and attributional styles with risk of females' running away from home.

Key words: running away; coping strategies; attributes

[Received: 13 February 2008; Accepted: 21 July 2008]

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های اسنادی با خطر فرار از منزل در دختران نوجوان انجام شد. **روش:** ۵۰۰ دانش‌آموز دختر مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی مناطق دو، پنج و هفت آموزش و پرورش شهر مشهد که به شیوه تصادفی-خوشه‌ای انتخاب شده بودند، به کمک پرسش‌نامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و پرسش‌نامه‌های خطر فرار از منزل، راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های اسنادی بررسی شدند. داده‌ها به کمک ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندمتغیره به روش گام به گام تحلیل شدند. **یافته‌ها:** بین راهبردهای جلب حمایت اجتماعی، مهار جسمانی و مهار هیجانی با خطر فرار دختران از منزل و هم‌چنین بین بعد پایدار-ناپایدار موقعیت شکست و ابعاد درونی-بیرونی، پایدار-ناپایدار و کلی-جزئی موفقیت موفقیت در پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی با خطر فرار دختران از منزل همبستگی معنی‌داری وجود داشت. نتایج تحلیل رگرسیون نشان‌دهنده نقش برجسته‌تر راهبردهای مهار جسمانی و مهار هیجانی و بعد کلی-جزئی موفقیت موفقیت در خطر فرار دختران از منزل بود ($p < 0.01$). **نتیجه‌گیری:** بین راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های اسنادی با خطر فرار از منزل ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

کلیدواژه: فرار از منزل؛ راهبردهای مقابله‌ای؛ اسنادها

[دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۱۱/۲۴؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۴/۳۱]

^۱ دانشجوی دوره دکترای روانشناسی بالینی، تهران، خیابان ستارخان، خیابان نیایش، خیابان شهید منصور، انستیتو روانپزشکی تهران، مرکز تحقیقات بهداشت روان، دورنگان ۶۸۵۳-۶۶۵۰-۰۲۱ (نویسنده مسئول). E-mail: hsharreh@yahoo.com.au. ^۲ دکترای روانشناسی عمومی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی ایران؛ ^۳ دکترای روانشناسی بالینی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی ایران.

^a Corresponding author: Postgraduate student in Clinical Psychology, Iran University of Medical Sciences, Tehran Psychiatric Institute and Mental Health Research Centre, Shahnid Mansoori Alley, Niayesh St., Sattarkhan Ave., Tehran, Iran, IR. Fax: +9821-66506853. E-mail: hsharreh@yahoo.com.au; ^b PhD. in General Psychology, Assistant Prof. of Iran University of Medical Sciences; ^c PhD. in Clinical Psychology, Assistant Prof. of Iran University of Medical Sciences.

مقدمه

۱۳۷۵). افزون بر آن، پایگاه هویت در دختران فراری بیشتر از نوع پراکنندگی است (شاره و آقامحمدیان شریف، ۱۳۸۶). پایگاه هویت پراکنندگی با راهبردهای مقابله‌ای کنارنیامدن، نادیده گرفتن مشکل و کاهش تنش در نوجوانان مرتبط است (غرابی، عاطف‌وحید، دژکام و محمدیان، ۱۳۸۴).

هر چه سطح احترام به خود، واقعیت‌سنجی، انعطاف‌پذیری، تحمل استرس، کنترل تکانه، شادکامی، خودآگاهی هیجانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حل مسأله و هوش هیجانی کلی در دختران بالاتر باشد، خطر فرار آنها از خانه کمتر است (شاره، اصغرترژاد فرید، یزدان‌دوست و طباطبایی، ۱۳۸۵). لیندسی^۱، کورتز، جارویس، ویلیامز^{۱۱} و ناکرود^{۱۲} (۲۰۰۰) به بررسی عواملی پرداختند که باعث می‌شود یک نوجوان بر تنش‌ها چیره شود و از این رو اقدام به فرار نکند. در پژوهش یادشده بازنشانی توانایی‌های درونی خود و تکیه بر اسنادهای درونی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در زمینه از سرگذراندن چالش‌ها و جلوگیری از فرار شناخته شده است. بررسی دیگری نشان داد که داشتن سبک اسنادی کلی به شکست‌ها در نوجوانان مؤسسه‌ای و داشتن سبک اسنادی ناپایدار به موفقیت‌ها در نوجوانان عادی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده احساس تنهایی در این دو گروه باشد (هان^{۱۳} و چوی^{۱۴}، ۲۰۰۶). بنابراین برنامه‌ریزی برای بازسازی سبک‌های اسنادی نوجوانان فراری و مؤسسه‌ای‌شده برای کاستن از مشکلات آنها به ویژه احساس تنهایی و گوشه‌گیری لازم است.

با توجه به این که فرار دختران بیشتر به دنبال فشارهای روانشناختی انجام می‌شود و با در نظر گرفتن این که راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های اسنادی نقش مؤثری در واکنش فرد به رویدادهای تنیدگی‌زا دارند، پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های اسنادی با خطر فرار دختران از خانه، انجام شده است تا راهکارهایی برای کاهش این مشکل اجتماعی پیشنهاد کند. یافته‌های این

نوجوانی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین دوران زندگی انسان به‌شمار می‌رود. دختران در دوره نوجوانی در مقایسه با پسران تنیدگی بیشتری را تجربه می‌کنند و در برابر این تنیدگی‌ها معمولاً به‌صورت هیجان‌محور پاسخ می‌دهند. یکی از آسان‌ترین راه‌های هیجان‌مدارانه برای رویارویی با تنش‌ها فرار است (معلمی‌گودرزی، ۱۳۸۰). فرار دختران فرآیند یک سازوکار روانی و ذهنی در نوجوانان است که برای رسیدن به یک امنیت درونی و رهایی از سلطه والدین، زندگی خانه به دوشی را برمی‌گزینند.

برآوردهای محافظه‌کارانه گویای آن هستند که سالانه ۲٪ کودکان ۱۲ تا ۱۸ ساله از خانه فرار می‌کنند (دیمان^۱، ۲۰۰۰). بررسی‌ها نشان می‌دهند که فرار از خانه در دختران نوجوان از شیوع بالاتری برخوردار است (شارلین^۲ و مورباراک^۳، ۱۹۹۲؛ شبکه ملی فرار و خدمات جوانان^۴، ۱۹۸۵؛ کورتز^۵، جارویس^۶ و کورتز، ۱۹۹۱؛ کوهن^۷، مک‌کنزی^۸ و ییتس^۹، ۱۹۹۱)، به‌طوری که ۷۵٪ افرادی که از خانه فرار می‌کنند دختر هستند (شبکه ملی فرار و خدمات جوانان، ۱۹۸۵).

در ایران نیز شمار نوجوانان فراری به گونه نگران‌کننده‌ای در حال افزایش است به‌طوری که شمار دختران فراری در سال ۱۳۷۸، ۲۰ برابر بیشتر از سال ۱۳۶۵ بوده است و در چهار ماهه آخر سال ۱۳۸۰، ۶۱۵۶ نوجوان فراری دستگیر شده‌اند (صمدی‌راد، ۱۳۸۱). به‌طور متوسط روزانه ۴۹ مورد فرار از منزل به مرکز ساماندهی کودکان و نوجوانان فراری وابسته به شهرداری تهران گزارش می‌شود (برزگر، ۱۳۸۲).

میزان عوامل تنیدگی‌زا و به‌کارگیری شیوه‌های مقابله هیجان‌محور در دختران فراری بیش از دختران عادی است. پژوهش‌ها هم‌چنین نشان می‌دهند که دختران فراری در رویارویی با رویدادهای تنیدگی‌زا به‌علت آستانه تحمل پایین، به جای رویکرد شناختی مؤثر، از راهبردهای هیجانی ناکارآمد و اسنادهای بیرونی بهره می‌گیرند، از منبع کنترل بیرونی برخوردارند، و اغلب با تفکرات غیرمنطقی خود، شرایط نامساعد را غیرقابل تغییر می‌دانند. از این رو در برابر ناکامی‌ها و سختی‌ها به‌زودی بردباری خود را از دست می‌دهند و بیشتر به‌صورت تکانشی واکنش نشان می‌دهند (شارلین و مورباراک، ۱۹۹۲؛ نیک‌سرشت، ۱۳۸۰؛ اسنادی،

- | | |
|---|--------------|
| 1- Deman | 2- Sharelin |
| 3- Mor-Barak | |
| 4- National Network of Runaway and Youth Services | |
| 5- Kurtz | 6- Jarvis |
| 7- Cohen | 8- Mackenzie |
| 9- Yates | 10- Lindsey |
| 11- Williams | 12- Nackerud |
| 13- Han | 14- Choi |

بررسی می‌تواند متخصصان بهداشت روان را در زمینه شناخت مشکل و درمان افراد در معرض خطر بالا برای این مشکلات یاری دهد تا از این راه بتوان به موقع از رخداد چنین آسیب‌هایی پیش‌گیری کرد و به سلامت جامعه کمک نمود. فرضیه‌های پژوهش عبارت بودند از: ۱- بین راهبردهای مقابله‌ای و خطر فرار از خانه همبستگی وجود دارد؛ ۲- راهبردهای مقابله‌ای خطر فرار از منزل را پیش‌بینی می‌کنند؛ ۳- بین سبک‌های استادی و خطر فرار از خانه همبستگی وجود دارد؛ ۴- سبک‌های استادی، پیش‌بینی کننده خطر فرار از خانه هستند.

روش

جامعه آماری پژوهش شامل همه دانش‌آموزان دختر مشغول به تحصیل در پایه دوم و سوم دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی شهر مشهد و نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای- تصادفی بود. برای انجام نمونه‌گیری نخست از میان مناطق آموزش و پرورش شهر مشهد سه منطقه و از هر منطقه دو دبیرستان انتخاب شدند. با در نظر گرفتن نسبت کل دانش‌آموزان مناطق و هم‌چنین با حفظ نسبت متغیرهای پایه تحصیلی و رشته تحصیلی، نمونه‌ای به حجم ۵۰۰ نفر به تصادف انتخاب و به پرسش‌نامه‌های ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، خطر فرار از خانه^۱ (RRAHI) (حیدری، ۱۳۸۳)، راهبردهای مقابله‌ای^۲ (CSQ) (بیلینگز^۳ و موس^۴، ۱۹۸۴) و سبک استادی^۵ (ASQ) (سلیگمن^۶، ابرامسون^۷، سمل^۸ و ون‌بایر^۹، ۱۹۷۹) پاسخ دادند.

پرسش‌نامه خطر فرار از خانه (RRAHI) (حیدری، ۱۳۸۳) در ۱۰ محور و با ۵۴ ماده دو یا چندگزینه‌ای ساخته شده که روایی محتوایی آن توسط استادان روانشناسی و کارشناسان آسیب‌های اجتماعی تأیید گردیده است. پایایی بازآزمایی در مدت دو هفته برای دختران فراری ۰/۹۲ و برای دختران عادی ۰/۹۶ به دست آمد. نمره کل این پرسش‌نامه از ۷۴ تا ۳۲۳ می‌تواند نوسان داشته باشد. نمره برش (۱۶۵) نشان‌دهنده در معرض خطر بودن جدی برای فرار از خانه است.

پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای (CSQ) را بیلینگز و موس (۱۹۸۱) برای بررسی شیوه پاسخ‌گویی افراد به رویدادهای استرس‌زا ساخته‌اند که نخست دارای ۱۹ پرسش بود و در

تجدید نظر بعدی به ۳۲ پرسش افزایش یافت (بیلینگز و موس، ۱۹۸۴). در پژوهش حاضر پرسش‌نامه ۳۲ ماده‌ای که حسینی قدمگاهی (نورعلی، ۱۳۸۳) آن را تنظیم نموده است به کار برده شد. این پرسش‌نامه پنج‌گانه راهبرد مقابله‌ای را می‌سنجد: مقابله مبتنی بر حل مسأله (سه ماده)، مقابله مبتنی بر مهار هیجانی (۱۱ ماده)، مقابله مبتنی بر ارزیابی شناختی (پنج ماده)، مقابله مبتنی بر مهار جسمانی یا جسمانی‌کردن مشکلات (نه ماده) و مقابله مبتنی بر جلب حمایت اجتماعی (چهار ماده). حسینی قدمگاهی (نورعلی، ۱۳۸۳) ضریب پایایی بازآزمایی این پرسش‌نامه را ۰/۷۹ گزارش نمود.

پرسش‌نامه سبک اسناد (ASQ) اسنادهای علی افراد برای پیامدهای مثبت و منفی در ابعاد کانون علیت، ثبات و کلی بودن را ارزیابی می‌کند. شکل اصلی این پرسش‌نامه (سلیگمن و همکاران، ۱۹۷۹) دارای شش موقعیت اسنادی برای پیامدهای مثبت (موقعیت) و شش موقعیت دیگر اسنادی برای پیامدهای منفی (شکست) می‌باشد. برای اجرای این پرسش‌نامه از آزمودنی خواسته می‌شود تا تصور کند که هر یک از موقعیت‌ها برای وی واقعاً روی داده است و سپس علل مربوط به هر رویداد را در ابعاد درونی- بیرونی، پایدار- ناپایدار و کلی- جزئی یادداشت نماید. در این پژوهش پرسش‌نامه‌ای که اسلامی شهربابکی (۱۳۶۹) اقتباس و تدوین نموده، به کار برده شد. این پرسش‌نامه دارای ۱۰ موقعیت فرضی است (پنج موقعیت مثبت و پنج موقعیت منفی). نمره گذاری به صورت لیکرت پنج‌گزینه‌ای است و برای موقعیت شکست و موقعیت جداگانه محاسبه می‌شود. سلیگمن و همکاران (۱۹۷۹) در بررسی پایایی پرسش‌نامه سبک اسنادی، ضریب آلفای آن را در گروه‌های فرعی به شرح زیر تعیین نمودند: پیامد منفی درونی ۰/۴۴، پیامد مثبت پایدار درونی ۰/۳۰، پیامد منفی پایدار ۰/۶۴، پیامد مثبت پایدار ۰/۵۴، پیامد منفی کلی ۰/۶۴ و پیامد مثبت کلی ۰/۵۸. پیترسون^{۱۰} و همکاران (۱۹۸۲) ضریب پایایی بازآزمایی در

- 1- Risk of Running Away from Home Inventory
- 2- Coping Strategies Questionnaire
- 3- Billings
- 4- Moos
- 5- Attribution Style Questionnaire
- 6- Seligman
- 7- Abramson
- 8- Semmel
- 9- von Baeyer
- 10- Peterson

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های اسناد، و ضرایب همبستگی هر متغیر با خطر فرار دختران از منزل

متغیر	میانگین (انحراف معیار)	ضریب همبستگی با خطر فرار دختران از منزل
حل مسأله	۵/۵۲ (۱/۸۵)	۰/۰۲۱
ارزیابی شناختی	۱۰/۸۹ (۲/۷۴)	۰/۰۵۵
جلب حمایت اجتماعی	۴/۸۱ (۲/۱۳)	-۰/۰۸۵*
مهار هیجانی	۱۷/۱۲ (۳/۷۰)	۰/۲۱**
مهار جسمانی موقعیت شکست	۵/۰۷ (۲/۵۲)	۰/۲۸**
بعد درونی- بیرونی	۱۴/۹۶ (۲/۷۷)	-۰/۱۷
بعد پایدار- ناپایدار	۱۷/۹۱ (۳/۲۲)	۰/۱۰**
بعد کلی- جزئی	۱۴/۷۹ (۳/۲۵)	۰/۰۲۷
موقعیت موفقیت		
بعد درونی- بیرونی	۱۱/۳۶ (۲/۸۵)	-۰/۰۸۵*
بعد پایدار- ناپایدار	۱۲/۱۹ (۳/۴۲)	-۰/۰۹*
بعد کلی- جزئی	۱۳/۲۱ (۳/۱۹)	-۰/۱۵**

* $p < 0.05$; ** $p < 0.01$

فرضیه نخست پژوهش، مبنی بر این که بین راهبردهای مقابله‌ای و خطر فرار دختران از منزل ارتباط معنی‌داری وجود دارد، تأیید شد. ضریب‌های همبستگی گویای آن است که هر چه دختران کمتر از راهبرد جلب حمایت اجتماعی و بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای مهار هیجانی و مهار بدنی بهره‌گیرند، خطر فرار آنها از منزل بیشتر است. در جدول ۱ ضریب‌های همبستگی راهبردهای مقابله‌ای با خطر فرار دختران از منزل آورده شده است.

فرضیه دوم، مبنی بر این که راهبردهای مقابله‌ای خطر فرار دختران از منزل را پیش‌بینی می‌کنند نیز مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام بیان‌گر این است که راهبردهای مهار بدنی و مهار هیجانی به ترتیب از عوامل مهم پیش‌بینی‌کننده فرار دختران از منزل بودند که در مجموع ۹٪ از واریانس مربوط به خطر فرار از منزل را تبیین می‌کنند ($F=24/96$, $p < 0.01$). اطلاعات مربوط به ضریب تعیین، خطای معیار برآورد و ضریب‌های رگرسیون تحلیل در جدول ۲ نشان داده شده است.

یک دوره پنج هفته‌ای برای پیامدهای مثبت و منفی ابعاد درونی، کلی و پایدار را بین ۰/۵۷ تا ۰/۷۰ گزارش نمودند. اسلامی شهربابکی (۱۳۶۹) در بررسی پایایی درونی پرسش‌نامه سبک اسنادی، ضریب آلفای پیامد منفی درونی، پیامد مثبت درونی، پیامد منفی پایدار، پیامد مثبت پایدار، پیامد منفی کلی و پیامد مثبت کلی را به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۴۳، ۰/۵۶، ۰/۷۳ و ۰/۷۶ گزارش نمود. پژوهش‌های انجام‌شده برای تعیین روایی این پرسش‌نامه نشان می‌دهند که نمرات به‌دست‌آمده در پرسش‌نامه، اسنادهای واقعی آزمودنی‌ها برای رویدادهای خاص زندگی را پیش‌بینی می‌کنند (نورعلی، ۱۳۸۳).

اجراکنندگان آزمون‌ها دو نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد روانشناسی بودند که درباره شیوه انجام آزمون‌ها آموزش لازم را دیده بودند. در هنگام گردآوری داده‌ها هر سه پرسش‌نامه در اختیار آزمودنی‌ها گذاشته شد و در پایان کار با بررسی دقیق، چنان‌چه آزمودنی پرسشی را بی‌پاسخ گذاشته بود از او درخواست می‌شد که به آن پرسش پاسخ دهد. در صورتی که یکی از آزمودنی‌ها با وجود تشویق آزمونگران حاضر به پاسخ‌گویی نمی‌شد، آزمودنی دیگری از همان کلاس و در همان رشته تحصیلی جایگزین می‌شد. داده‌های گردآوری‌شده به کمک ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندمتغیره به روش گام به گام تحلیل شدند.

یافته‌ها

میانگین نمرات خطر فرار در آزمودنی‌ها برابر با ۱۲۸/۲۱ (انحراف معیار ۲۵/۵۸) و میانگین سن آزمودنی‌ها ۱۷/۴۴ (انحراف معیار ۰/۷۳) بود. نمره خطر فرار در ۵۴ نفر (۱/۰/۸) از آزمودنی‌ها ۱۶۵ و بالاتر بود. به بیان دیگر، ۱/۰/۸٪ آزمودنی‌ها در معرض خطر جدی فرار از منزل بودند (جدول ۱).

جدول ۲- تحلیل رگرسیون خطر فرار از منزل بر پایه راهبردهای مقابله‌ای آزمودنی‌ها

متغیرهای پیش‌بین	ضریب B	ضریب beta	نسبت t	سطح معنی‌داری	ضریب تعیین	خطای معیار اندازه‌گیری
مهار جسمانی	۲/۰۳	۰/۲۸	۶/۵۱	۰/۰۰۱	۰/۰۷	۲۴/۵۸
مهار جسمانی	۱/۶۷	۰/۲۳	۴/۹۲	۰/۰۰۱	۰/۰۹	۲۴/۴۳
مهار هیجانی	۰/۸۵	۰/۱۲	۲/۴۳	۰/۰۰۹		

فرضیه سوم، مبنی بر این که بین سبک‌های استادی و خطر فرار دختران از منزل ارتباط معنی‌داری وجود دارد، تأیید شد. یافته‌ها گویای آن هستند که هر چه دختران در موقعیت‌های شکست، تبیین‌ناپذیرتر و در موقعیت‌های موفقیت تبیین‌های اختصاصی‌تر، ناپایدارتر و بیرونی‌تر داشته باشند، خطر فرار آنها از منزل بیشتر است.

فرضیه چهارم، مبنی بر این که سبک‌های استادی خطر فرار دختران از منزل را پیش‌بینی می‌کنند، نیز مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام بیانگر این است که بعد کلی-جزیی در موقعیت موفقیت، از عوامل مهم پیش‌بینی‌کننده نوع اسناد در پیش‌بینی خطر فرار دختران از منزل است. یعنی هر چه اسناد دختران در موقعیت‌های موفقیت آمیز جزئی‌تر باشد خطر فرار آنها از منزل بیشتر است. این سبک اسناد ۲٪ از واریانس مربوط به خطر فرار از منزل را تبیین می‌کند ($F=12.75, p<0.01$). ضریب رگرسیون $-1/26$ و ضریب بتا -0.15 بود.

بحث

این بررسی نشان داد که بین راهبردهای مقابله‌ای مهار جسمانی و مهار هیجانی با خطر فرار همبستگی مثبت و بین راهبرد جلب حمایت اجتماعی با خطر فرار از منزل در دختران نوجوان همبستگی منفی و معنی‌دار وجود دارد. تحلیل رگرسیون گام به گام بیانگر نقش برجسته‌تر راهبردهای مهار جسمانی و مهار هیجانی است. به نظر می‌رسد افرادی که از خانه فرار می‌کنند، در برخورد با مشکلات به جای این که مسأله‌مدار عمل کنند و از دیگران مشورت بخواهند، یا به‌طور هیجانی و تکانشگرانه واکنش نشان می‌دهند و یا این که وقت و انرژی خود را صرف جسمانی کردن مشکلات نموده و در نتیجه فرصت حل مسأله را از خود می‌گیرند. آنها به جای این که مسأله را حل کنند، تنها به‌طور گذرا هیجان آن را با رفتارهای تکانشی یا جسمانی کردن کاهش می‌دهند، در حالی که این راهکارها در درازمدت بر مسایل فرد می‌افزایند. رکلیتیس^۱ و نوام^۲ (۱۹۹۹) نشان دادند که راهبرد حل مسأله و راهبردهای مقابله‌ای میان‌فردی با نشانه‌های کمتر روانشناختی و سطوح بالاتر تحول ایگو^۳ همراه هستند. یکی از روش‌های مسأله‌مدار مشورت گرفتن از دیگران و جلب حمایت آنها برای کاستن از استرس‌ها است. به بیان دیگر، راهبرد جلب حمایت اجتماعی می‌تواند از میزان تنیدگی‌های فرد کاسته، بر

تحمل او در برابر استرس‌ها بیفزاید و بنابراین خطر فرار او را کاهش دهد. این در حالی است که راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور با سطوح بالاتر فشار روانی و حمایت اجتماعی کمتر ارتباط دارند (ماگایا^۴، آنسر-سلف^۵ و شریب^۶، ۲۰۰۵). یافته‌های بالا با یافته‌های بررسی‌های شارلین و موربازاک (۱۹۹۲)، استادی (۱۳۷۵) و بازیاری مینسندی (۱۳۷۵) هم‌خوانی دارند.

هم‌چنین بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر، اسناد موفقیت‌ها به عوامل بیرونی، اختصاصی و ناپایدار و اسناد شکست‌ها به عوامل پایدار با خطر فرار از منزل همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد و اسناد موفقیت‌ها به عوامل اختصاصی، از نقش برجسته‌تری در تحلیل رگرسیون گام به گام برخوردار است. به نظر می‌رسد این سبک اسنادی بدینانه تا آن‌جا عزت نفس آنها را پایین می‌آورد که خود را در حل مشکلات تنها دیده و توانایی خود را در رویارویی با سختی‌ها ناچیز می‌پندارند. آنها می‌کوشند با فرار از سختی‌ها و شرایط دشوار رهایی یابند. این یافته‌ها نیز با پژوهش‌های دیمان (۲۰۰۰)، استادی (۱۳۷۵)، صفادل (۱۳۸۰)، لیندسی و همکاران (۲۰۰۰) و هم‌چنین هان و چوی (۲۰۰۶) هم‌خوان است. بنابراین با توجه به نقش بنیادی راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های استادی در واکنش افراد به استرس و تأثیر این متغیرها بر خودنگاره فرد، دستاوردهای این بررسی بیانگر آن است که بهره‌گیری از برنامه‌های آموزشی و مداخله‌ای در راستای افزایش راهبردهای مسأله‌مدار از جمله راهبرد جلب حمایت اجتماعی و هم‌چنین آموزش سبک اسنادی خوش‌بینانه می‌تواند از جمله راهکارهای عملی برای دخترانی باشد که نمره خطر فرار آنها به نمره برش نزدیک است و در معرض خطر فرار از منزل هستند.

پیشنهاد می‌شود پژوهش بر روی مردان نیز انجام شود و با شناسایی آزمودنی‌های در معرض فرار از منزل، راهکارهای درمانی مناسب برای پیش‌گیری از این رخداد در نظر گرفته شود.

سیاسگزاری

بدین‌وسیله از مسئولین محترم آموزش و پرورش شهر مشهد و دانشجویانی که پژوهشگران را در انجام این پژوهش یاری رسانده‌اند قدردانی می‌شود.

1- Recklitis
3- ego
5- Anser-Self

2- Noam
4- Magaya
6- Schreiber

منابع

- Billings, A. G., & Moos, R. H. (1984). Coping, stress, and social resources among adults with unipolar depression. *Journal of Personality and Social Psychology, 46*, 877-891.
- Cohen, E., Mackenzie, R. G., & Yates, G. L. (1991). HEADS, a psychosocial risk assessment instrument: Implications for designing effective intervention programs for runaway youth. *Journal of Adolescent Medicine, 12*, 539-544.
- Deman, A. F. (2000). Predictors of adolescent running away behavior. *Social Behavior and Personality, 28*, 261-268.
- Han, E., & Choi, N. (2006). Korean institutionalized adolescents' attribution of success and failure in interpersonal relations and perceived loneliness. *Children and Youth Services Review, 28*, 535-547.
- Kurtz, P. D., Jarvis, S. V., & Kurtz, G. L. (1991). Problems of homeless youths: Empirical findings and human services issues. *Social Work, 36*, 311-314.
- Lindsey, E. W., Kurtz, P. D., Jarvis, S., Williams, N. R., & Nackerud, L. (2000). How runaway and homeless youth navigate troubled waters: Personal strengths and resources. *Child and Adolescent Social Work Journal, 17*, 115-139.
- Magaya, L., Anser-Self, K. K., & Schreiber, J. B. (2005). Stress and coping strategies among Zimbabwean adolescents. *British Journal of Educational Psychology, 75*, 661-671.
- National Network of Runaway and Youth Services (1985). Available on: <http://www.nrscrisline.org>
- Peterson, C. R., Semmel, A., von Baeyer, C., Abramson, L. Y., Metalsky, G. I., & Seligman, M. E. P. (1982). The Attributional Style Questionnaire. *Cognitive Therapy and Research, 6*, 287-300.
- Recklitis, C. J., & Noam, G. G. (1999). Clinical and developmental perspectives on adolescent coping. *Child Psychiatry and Human Development, 30*, 87-101.
- Seligman, M. E. P., Abramson, L. Y., Semmel, A., & von Baeyer, C. (1979). Depressive attributional style. *Journal of Abnormal Psychology, 88*, 242-247.
- Sharelin, S. A., & Mor-Barak, M. (1992). Runaway girls in distress: Motivation, background, and personality. *Adolescence, 27*, 387-405.
- استادی، رضا (۱۳۷۵). بررسی رابطه باورهای غیرمنطقی و عزت‌نفس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی مشاوره و راهنمایی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- اسلامی شهربابکی، حیدر (۱۳۶۹). بررسی رابطه بین سبک‌های تبیین و سردرگمی در بیماران افسرده یک‌قطبی و دوقطبی و مقایسه آن با افراد پهنجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.
- بازاریاری مسندی، منتاب (۱۳۷۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی و میزان تنیدگی در دختران فراری و صادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- برزگر، صادق (۱۳۸۲). فرار دختران. چاپ سوم، قم: نشر جمال.
- حیدری، شیما (۱۳۸۳). بررسی تأثیر آموزش تنش‌زدایی تدریجی و مهارت‌های حل مسأله بر کاهش تمایل به فرار در دختران در معرض فرار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه الزهراء (س).
- شاره، حسین؛ آقامحمدیان شرباف، حمیدرضا (۱۳۸۶). رابطه بین پایگاه‌های هویت و فرار دختران از خانه. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲، ۱۲۷-۱۳۲.
- شاره، حسین؛ اصغرنژاد فرید، علی‌اصغر؛ یزدان‌دوست، رخساره؛ طباطبائی، محمود (۱۳۸۵). ارتباط مؤلفه‌های هوش هیجانی و خطر فرار از منزل در دختران نوجوان شهر مشهد. فصلنامه روان اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۱، ۲۳۳-۲۴۳.
- صنادل، لیلا (۱۳۸۰). بررسی تأثیر سبک‌های استادی بر میزان تجربه استرس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی مشاوره و راهنمایی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- صمدی‌راد، انور (۱۳۸۱). بررسی عوامل اجتماعی و خانوادگی مؤثر بر فرار دختران. خلاصه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران. غزایی، بنفشه؛ عاطف‌وحید، محمد کاظم؛ دژ کام، محسن؛ محمدیان، مهرداد (۱۳۸۴). راهبردهای مدارای نوجوانان تهرانی در وضعیت‌های مختلف هویتی. فصلنامه روان اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۳۹-۱۴۵.
- معلمی‌گودرزی، بهمن (۱۳۸۰). بررسی تأثیر آموزش تنش‌زدایی تدریجی و مهارت‌های مقابله‌ای و حل مسأله بر میزان تنیدگی و شیوه‌های مواجهه دختران فراری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- نورعلی، زهره (۱۳۸۳). مقایسه هوش هیجانی، سبک استادی و راهبردهای مقابله‌ای افراد موفق و ناموفق در کشور سراسری سال ۸۴-۱۳۸۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.
- نیک‌سرشت، مرگان (۱۳۸۰). مقایسه هیجان‌خواهی و باورهای غیرمنطقی در نوجوانان عادی و بزه‌کار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه الزهراء (س).
- Billings, A. G., & Moos, R. H. (1981). The role of coping responses and social resources in attenuating the stress of life events. *Journal of Behavioral Medicine, 4*, 139-157.